

یک جنگ کاملاً متفاوت

با گذشت بیش از ۹ ماه از جنگ با حماس در نوار غزه، اسرائیل اکنون بیش از هر زمان دیگری به جنگ دوم و حتی بزرگتر با حزب‌الله در مرز شمالی خود نزدیک شده است. در ماه ژوئن(خرداد)، نیروهای ارتش اسرائیل اعلام کردند که طرح‌های حملات ای تمام عیار در جنوب لبنان تأیید شده است و در اواسط ژوئیه(تیر)، «سیدحسن نصرالله»، رهبر حزب‌الله گفت که این گروه شیعه مورد حمایت ایران آماده است تا حملات موشکی خود را به طیف وسیع‌تری از شهرهای اسرائیل گسترش دهد. این امر احتمال در رسانه‌های بین‌المللی مورد بررسی نسبتاً کمی قرار گرفته است، یک جنگ تمام‌عیار بین اسرائیل و حزب‌الله عواقبی خواهد داشت که درگیری کنونی غزه را پیش آن کوچک می‌کند. حمله هوایی و زمینی بزرگ اسرائیل به حزب‌الله، مسلح‌ترین گروه در خاورمیانه، احتمالاً باعث آشفتگی در سراسر منطقه می‌شود و می‌تواند به ویژه با ورود آمریکا به مرحله مهمی از فصل انتخابات ریاست‌جمهوری، بی‌ثبات‌کننده باشد. همچنین روشن نیست که چنین جنگی می‌تواند به سرعت پایان یابد یا اینکه مسیر روشنی برای پیروزی قاطع وجود داشته باشد.

پیامدهای جنگ با حزب‌الله برای خود اسرائیل می‌تواند شدید باشد. اگرچه سامانه‌های پدافند هوایی اسرائیل تاکنون در برابر حملات موشکی غزه، لبنان، ایران و یمن بسیار موفق بوده‌اند، اما جنگ کامل با حزب‌الله یک بازی کاملاً متفاوت خواهد بود. بر اساس برآوردهای اطلاعاتی اسرائیل، ذخایر تسلیحاتی حزب‌الله بیش از هفت برابر حماس است و شامل سلاح‌های مرگبارتر است. تسلیحات حزب‌الله همراه با صدها پهپاد تهاجمی، شامل حدود ۱۳۰ هزار تا ۱۵۰ هزار راکت و موشک، از جمله صدها موشک بالستیک است که می‌تواند به اهدافی در تل آویو و حتی بیشتر در جنوب- در واقع، هر نقطه در اسرائیل برسد.

علاوه بر این، همان‌طور که جنگ‌های قبلی نشان می‌دهد، لبنان یک میدان جنگ خطرناک و گول‌زننده است. آخرین جنگ اسرائیل با حزب‌الله، در تابستان ۲۰۰۶، بی‌نتیجه به پایان رسید و قدرت نظامی این گروه را تا حد زیادی دست‌نخورده باقی گذاشت. حزب‌الله نیز بسیار بهتر از آن زمان مسلح شده است. فرماندهی جبهه داخلی اسرائیل تخمین می‌زند که اگر اکنون یک درگیری تمام‌عیار آغاز شود، حزب‌الله هر روز از جنگ حدود ۳۰۰۰ راکت و موشک پرتاب خواهد کرد و تهدیدی برای عقبه بر دفاع موشکی اسرائیل خواهد بود. اسرائیل باید روی دفاع از زیرساخت‌های حیاتی و پایگاه‌های نظامی تمرکز کند، به مردم غیرنظامی گوید که در پناهگاهها بمانند و امیدوار باشند اوضاع بدتر از این نشود. چالش جنگ با حزب‌الله بسیار فراتر از چه چیزی است که سران اسرائیل قبل با آن روبرو بوده‌اند.

در حال حاضر، هر دو طرف هنوز دلیلی برای خوشبیننداری دارند. در واقع، به نظر می‌رسد که همه بازیگران درگیر در مناقشه کنونی- اسرائیل، حزب‌الله، ایران، دولت لبنان و آمریکا-لاابل محکمی برتلاش برای جلوگیری از جنگ منطقه‌ای دارند. اما حتی اگر دولت یابدن بتواند به توافقی بین اسرائیل و حزب‌الله دست یابد که شامل عقب‌نشینی نیروهای حزب‌الله از مناطق اطراف مرز می‌شود؛ رهبران اسرائیل ممکن است هنوز برایشان سخت باشد که به مخاطبان داخلی که طرفدار بر خورد با حزب‌الله یک بار برای همیشه هستند، پاسخ ندهند. اگر اسرائیل بدون پایان بازی با استراتژی مشخصی برای محدود کردن جنگ تسلیم این وسوسه شود، نتایج می‌تواند ویرانگر باشد.

راهبرد «حلقه آتش» علیه اسرائیل

اسرائیل بر خلاف جنگ غیرمنتظره خود در غزه، مدت‌هاست که خود را برای جنگ با حزب‌الله آماده می‌کند. اگرچه رهبری نظامی اسرائیل در محله ۷ اکتبر(مهر ۱۵ ۱۴۰۲) حماس کاملاً غافلگیر شد، اما برای چندین سال پیش‌بینی می‌کرد که حماس می‌تواند استلاش کند با حزب‌الله و دیگر گروه‌های نیابتی منطقه‌ای ایران در یک حمله هماهنگ چندجانبه علیه اسرائیل متحد شود.

«قاسم سلیمانی»، که رهبری نیروی قدس سیاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران و نظارت بر نیروهای نیابتی ایران در سراسر خاورمیانه را برعهده داشت، در سال‌های قبل از تورش در سال ۲۰۲۰ توسط نیروهای آمریکایی، به طور فعال راهبرد جدیدی به



نام «حلقه آتش» را ترویج کرد؛ این راهبرد با حمایت و تسلیح یک سری از شبه نظامیان عمدتاً شیعه ^۲ توسط جمهوری اسلامی در کشورهای مانند عراق، لبنان، سوریه و یمن عملیاتی شد. در همان زمان، او روابط خود را با نوار غزه تحت کنترل حماس تشدید کرد. این شبه‌نظامیان که تعدادی از آنها در مرزهای اسرائیل قرار داشتند، بازدارندگی ایران را در برابر ارتش قدرتمندتر اسرائیل فراهم کردند و به تهران سکوی پرتاب آماده برای حملات دادند.

در اوایل سال ۲۰۲۳، «صلاح العاروری» یکی از رهبران ارشد حماس که در آن زمان در لبنان مستقر بود و به تحکیم روابط حماس با حزب‌الله کمک می‌کرد، علناً از نیاز به متحد شدن همه «جبهه‌ها» علیه اسرائیل صحبت کرد. برای بسیاری از مقامات اسرائیلی، حزب‌الله به عنوان مسلح‌ترین و آموزش‌دیده‌ترین نیروهای نیابتی ایران، بزرگ‌ترین تهدید را تشکیل می‌داد. در ۱۷ اکتبر، در حالی که حمله حماس در امتداد اطراف غزه در حال گسترش بود، رهبران اسرائیل به سرعت برای حمله بزرگ‌تر

اشاره: بامداد روز یکشنبه هفته جاری و همزمان با روز اربعین بود که **دلاورمردان** حزب‌الله در مرحله اول عملیات واکنش به ترو ^۱ «فؤاد شکر» با شلیک ۳۲۰ موشک و ده‌ها پهپاد حداقل ۱۱ پایگاه نظامی و اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را دردم کوبیدند. در پی حمله موشکی گسترده حزب‌الله لبنان به شمال سرزمین‌های اشغالی، «یوآ و گالاتت»، وزیر جنگ رژیم صهیونیستی، برای ۴۸ ساعت در سرزمین‌های اشغالی «وضعیت اضطراری» اعلام کرد. تمامی سواحل حیفا و دانشگاه‌های سراسر این سرزمین اشغالی به دلیل وضعیت امنیتی تعطیل گردیدند. در فراخوان‌هایی از صهیونیست‌های ساکن شهرک‌های واقع در «طبریا» و «حیفا» و شهرک‌های شمال فلسطین اشغالی در نزدیکی مرزها با جنوب لبنان نیز خواسته شده به پناهگاه بروند.
هاآرتز در گزارشی درباره همین حمله نوشت «حزب‌الله موفق شده است پایگاه‌های بخش اطلاعات نظامی و موساد را در شمال

دریچه‌ای به جهان khareji@kayhan.ir

تل آویو هدف قرار دهد».
وب سایت عبری «وای‌نت» و «کانال ۱۲» این رژیم نیز اعلام کردند: «از جمله اهداف حزب‌الله، منطقه جالیلوت بود که مقر موساد و پایگاه ۸۲۰۰ در آنجا واقع است.»
پایگاه ۸۲۰۰ رژیم صهیونیستی در نزدیکی تل آویو سری‌ترین واحد اطلاعات نظامی رژیم صهیونیستی محسوب می‌شود. بسیاری از مقامات افراطی رژیم صهیونیستی نتانیاهو را برای شروع یک جنگ سراسری با حزب‌الله تحت فشار قرار داده‌اند اما تحلیلگران رژیم صهیونیستی بر این باور هستند که حزب‌الله هنوز بسیاری از قابلیت‌های نظامی خود را به کار نگرفته است.
«آموس هارل»، تحلیلگر دفاعی رژیم صهیونیستی هآرتز و یکی از نویسندگان کتاب «۳۹ روز: اسرائیل، حزب‌الله و جنگ در لبنان» در ادامه وب سایت آمریکایی «فاران افیزز» البته پیش از حمله گسترده یکشنبه گذشته آن را منتشر کرده اسست
دشواری‌های رژیم اسرائیل برای جنگ با حزب‌الله را

ا چرا صهیونیست‌ها از جنگ با حزب‌الله وحشت دارند

نتایج ویرانگر جنگ با حزب‌الله برای اسرائیل



یک جنگ تمام‌عیار بین اسرائیل و حزب‌الله عواقبی خواهد داشت که درگیری کنونی غزه را پیش آن کوچک می‌کند.
بر اساس بر آوردهای اطلاعاتی اسرائیل، ذخایر تسلیحاتی حزب‌الله بیش از هفت برابر حماس و شامل سلاح‌های مرگبار تری است.
اگر یک درگیری تمام‌عیار آغاز شود، حزب‌الله به عنوان مسلح‌ترین گروه خاورمیانه می‌تواند روزانه ۳ هزار موشک به سمت اسرائیل پرتاب کند.

حزب الله

مورد خسارت ارده به طرف لبنانی وجود دارد. اما بزرگ‌ترین تأثیر بر اسرائیل تاکنون ممکن است آواره شدن طولانی‌مدت ده‌ها هزار اسرائیلی باشد.

هنگامی که دولت اسرائیل به ساکنان شهرهای نزدیک مرز شمالی گفت که تخلیه کنند، عمدتاً به ترس اولیه آن جوامع پاسخ داد که ممکن است با سرنوشتی مشابه با هم‌میانان خود در نزدیکی غزه روبرو شوند. حمله غافلگیرانه حزب‌الله به شهرها و روستاها که منجر به شوشنت و شستاک می‌شود، با

اصولاً مرفوضات آمریکا و اسرائیل در مورد تنش‌زایی باحزب‌الله ممکن است خیلی خوش‌بینانه باشد. «ساف اورپون»، رئیس سابق استراتژی ارتش اسرائیل و یکی از همکاران «موسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک»، به من گفت: «تصور می‌کنم توافق پایدار طولانی‌مدت دشوار است.» او می‌گوید با توجه به آنچه که او «اعتماد به نفس حزب‌الله» به خودمت‌ها در شمال فراهم می‌کند.

مسئور مذاکره بتواند «به نگرانی‌های اسرائیل در تسدید نزدیکی بتواند جنبش صهیونیستی را اجرا کند. حتی اگر حزب‌الله با خواسته اصلی اسرائیل موافقت کرده و از مرزها عقب‌نشینی کند، تاریخ نشان داده است که بعد است که جنگجویان حزب‌الله برای همیشه از مرز دور بمانند؛ یا اینکه هر بازیگر خارجی بتواند جنبش صهیونیستی را اجرا کند. پس از شکست اطلاعاتی اسرائیل در امتداد اطراف غزه، چگونه به شهرک‌نشینان شمال اسرائیل اطمینان داده می‌شود که ارتش اسرائیل چنین اشتباهی را در مرز لبنان و در ارتباط با حزب‌الله مرتکب نخواهد شد؟ هم‌اکنون مشخص است که ارتش اسرائیل باید به طور دائم نیروهای قابل توجهی را در شمال و اطراف غزه مستقر کند. با این حال، حتی پس از آن، تصمیم‌گیری در مورد ایمن بودن وضعیت به عهده ساکنان این مناطق خواهد بود. اگر آنها متقاعد نشوند، بسیاری از آنها برنمی‌گردند.

حزب‌الله، معتقد است که نصرالله امیدوار است از یک جنگ تمام‌عیار با اسرائیل اجتناب کند. با این حال، او تشدید بیشتر تنش- حتی اگر ناخواسته- را کاملاً ممکن می‌بیند. یک طرف ممکن است تصمیم بگیرد که یک ضربه پیشگیرانه به طرف دیگر وارد کند، زیرا می‌ترسد که حریفش در حال برنامه‌ریزی حمله مستقر شوند. اما این اقدامات هرگز اجرا نشد و از همان ابتدا نیروهای حزب‌الله عملاً کنترل خود را بر مرز برقرار کردند.

بنابراین، مهم‌ترین خواسته اسرائیل این است که واحدهای حزب‌الله، و به ویژه نیروهای نخبه «رضوان» این گروه- نیروهای عملیات ویژه که برای انجام حملات و حملات فرامرزی در اسرائیل آموزش دیده‌اند- باید در شمال رودخانه لیتانی باقی بمانند. برعکس، حزب‌الله گفته است که آتش‌بس آینده را تنها در صورتی می‌پذیرد که بازگشت وضعیت قبل از ۱۷ اکتبر را فراهم کند؛ به عبارت دیگر، به مبارزان حزب‌الله اجازه دهد تا به جنوب لیبثانی بازگردند. در چنین سناریویی، این گروه احتمالاً به دنبال بازسازی ۲۰ پایگاه نظامی خود در امتداد مرز است.

از اواخر سال ۲۰۲۳، «موس هوخشتاین» فرستاده ویژه یابدن در منطقه، تلاش می‌کند اما هیچ‌اگر آتش‌بس بین اسرائیل و حزب‌الله باشد. این حزب‌الله تصریح کرده است که تا زمانی که جنگ اسرائیل در غزه ادامه داشته باشد، به جنگ ادامه خواهد داد. در اوایل ژوئیه(تیر)، واشنگتن فشار همیشه منطقه را ترک کنند.

صفحه ۸

پنجشنبه ۸ شهریور ۱۴۰۳

۲۴ صفر ۱۴۴۶ – شماره ۲۳۶۶۱

همه‌جانبه و ویرانی‌هایی که بر لبنان وارد می‌شود از جنگ خودداری کرده و از مرز عقب‌نشینی می‌کند. این یک مورد خطرناک خیالی‌بافی است. در واقع، هنگامی که این نوع تشدید تنش در جریان باشد برای اسرائیل بسیار دشوار خواهد بود که به حزب‌الله دیکته کند که جنگ باید چه زمانی متوقف شود. به عنوان مثال، اگر نتانیاهو تصمیم بگیرد به اهدافی در بیروت حمله کند، نصرالله ممکن است تصمیم بگیرد که با ضربه زدن به تل آویو پاسخی مشابه بدهد.

در حال حاضر، علی‌رغم تشدید حملات، هر دو طرف به دنبال بازگرداندن بازدارندگی هستند. نصرالله علناً از یک معادله استراتژیک صحبت کرده است که در آن گروهش اهدافی را در پاسخ به اقدامات اسرائیل انتخاب می‌کند. هر دو طرف کاملاً از ویرانی‌هایی که در یک جنگ تمام‌عیار ایجاد می‌شود آگاه هستند. حملات هوایی اسرائیل می‌تواند در عرض چند روز تمام زیرساخت‌های غیرنظامی دولتی در لبنان را تخریب کند. بعد است که کشورهای حاشیه خلیج‌فارس پس از چنین ویرانگری داوطلبانه این صورت حساب را بپردازند
حزب‌الله نیز به نوبه خود، با زرادخانه عظیم خود، می‌تواند اسرائیلی‌ها را برای هفته‌های متوالی به پناهگاه‌های زیرزمینی بفرستد. اگر یک درگیری مسلحانه کامل رخ دهد، ممکن است کوتاه‌مدت نباشد. این احتمال وجود دارد که حزب‌الله، دست به یک جنگ فرسایشی بزند، به این امید که این جنگ به تدریج منجر به فروپاشی اسرائیل شود.

پس از جنگ در اوکراین، بسیاری از اسرائیلی‌ها به نیازهای سساکان جنوب تأسیس شده است اما هیچ اقدام مشابهی در شمال انجام نشده است. در هفته‌های اخیر، رهبران اپوزیسیون از ناکامی دولت در رسیدگی به امنیت اطراف مرز شمالی استفاده کرده‌اند و نتانیاهو ممکن است به این نتیجه برسد که زمان رو به اتمام است.

خیال‌بافی ژنرال‌های اسرائیلی

وضعیت ناپایدار در مرزهای شمالی، دولت اسرائیل را در تنگنا قرار داده است. اگرچه نتانیاهو و گالاتت حزب‌الله و دولت لبنان را تهدید کرده‌اند که در صورت آغاز یک جنگ همه‌جانبه حزب‌الله به نابودی مطلق می‌پردازند، اما به نظر نمی‌رسد که اکنون هیچ یک مشتاق چنین سناریویی باشند. شایان ذکر است که حزب‌الله خود در پی اولین حمله اسرائیل به لبنان در سال ۱۹۸۲، در جنگی که تاکنون به عنوان جنگ اول لبنان شناخته می‌شود، تابست شد. تا سال ۲۰۰۰، حزب‌الله توانست اسرائیلی‌ها را از منطقه امنیتی خودخوانده‌شان در جنوب لبنان بیرون براند و ارتش اسرائیل را مجبور به عقب‌نشینی کامل به دلیل نگرانی‌های عمومی اسرائیل در مورد تلفات نظامی کرد. سپس، جنگی که در ژوئیه ۲۰۰۶ آغاز شد، پس از ۲۴ روز تا ساوی اسفناکی ^۲ به پایان رسید که هر دو طرف را ناراضی اما در عین حال نگران از رویارویی مستقیم گسترده دیگری کرد. بسیاری از تحلیلگران اسرائیلی گمان می‌کنند که حزب‌الله خود را به خوبی برای دور بعدی آماده کرده است.

اگر اسرائیل وارد یک جنگ تمام‌عیار شود، منطقی است که فرض کنیم ارتش اسرائیل عمدتاً یک درگیری بر بست را ترجیح می‌دهد، که در آن اساساً بر برتری هوایی و قابلیت‌های دقیق حمله خود متکی است. ژنرال‌های اسرائیلی احتمالاً یک تهاجم زمینی نیز انجام می‌دهند، اما تردید وجود دارد که نیروهای اسرائیلی در شمال رودخانه لیتانی بتوانند به حملات خود ادامه دهند. چنین اقدامی خطر گسترش بیش از حد نیروهای آنها را به همراه خواهد داشت، به خصوص اگر جنگ در غزه در این مدت ادامه یابد. هر تصمیمی برای حمله به حزب‌الله باید نیروی انسانی نسبتاً محدود موجود اسرائیل پس از ۹ ماه جنگ در غزه را در نظر بگیرد. در ماه ژوئیه(تیر)، کنست پارلمان اسرائیل لایحه‌ای را برای تسدید خدمت اجباری سربازان به سه سال کامل به منظور جبران کمبود نیرو تصویب کرد. مقامات اسرائیلی همچنین اشاره کرده‌اند که ارتش با کمبود شدید بعب و گلوله‌های دقیق در غزه مواجه است که می‌تواند محدودیت‌های قابل توجهی را برای حمله همزمان به لبنان ایجاد کند.

در مورد نیروی زمینی، علی‌رغم موفقیت نسبی نظامی ^۳ که در غزه به دست آمده، چالش در لبنان متفاوت خواهد بود. اگرچه جنوب لبنان احتمالاً خالی از غیرنظامیان خواهد بود، حزب‌الله بسیار پیچیده‌تر است و حماس است. ارتش اسرائیل احتمالاً می‌تواند در نبرد جنوب لبنان پیروز شود، اما ممکن است



یاونوش‌ها:

۱- بر خلاف ادعای نویسنده در خود شمال فلسطین اشغالی تصاویر و فیلم‌ها منتشر شده و اظهارات مقامات صهیونیست نشان می‌دهد که سامانه‌های دفاعی اسرائیل به هیچ وجه در برابر حملات مقاومت خوب عمل نکرده‌اند و شمال فلسطین اشغالی به اذعان خود صهیونیست‌ها توسط حزب‌الله به «عصر حجر» بازگشته است.

۲- علی‌رغم ادعای نویسنده هیچ کدام از گروه‌های مقاومت در فلسطین که مورد حمایت ایران قرار دارند شیعه نیستند و جمهوری اسلامی ایران هیچ گاه در حمایت از گروه‌های مقاومت در منطقه و جهان مسائلا را با دید قومی و مذهبی ندیده نکرده است.

۳- برخلاف ادعای نویسنده بسیاری از تحلیلگران غربی و خود صهیونیست‌ها اعتراف کرده‌اند که حزب‌الله در جنگ ۳۳ روزه به پیروزی کامل رسید.

۴- غزه نیز ارتش اسرائیل به هیچ یک از اهداف اعلامی خود از شروع جنگ نرسیده است نه حماس نابود شده است و نه گروگان‌ها آزاد شده‌اند. به گفته کارشناسان غربی اسرائیل به تحقق اهداف خود در جنگ غزه حتی نزدیک هم نشده است.

۱

هزینه زیادی برای نیروهایش داشته باشد. اسرائیل همچنین باید خسارات کل جبهه داخلی خود، از جمله شهرهایی مانند تل آویو و حیفا را که احتمالاً در معرض حملات موشکی مستمر قرار دارند، از جمله موشک‌های هدایت شونده پیچیده‌تری که حزب‌الله از ایران در سال‌های اخیر دریافت کرده است، در نظر بگیرد.

برخی از سیاستمداران و ژنرال‌های اسرائیلی معتقدند که راه میانه‌ای وجود دارد؛ با تشدید فشارهای نظامی چند روزه بر حزب‌الله، این گروه از ترس جنگ